

تأملات

واگویی‌هایی از کار و زندگی

ایستادن در آن سوی مرگ



نشر نی
۱۳۹۲

در این اثر، نویسنده در تلاش است تا از منظر آرای فلسفی هانری کربن که به فلسفه اسلامی وابستگی نظری دارد، به بررسی آرای مارتین هایدگر بپردازد و به تعبیر فدایی مهربان، هانری کربن سعی می‌کند پاسخی برای بن‌بست‌های مارتین هایدگر پیدا کند. همچنین در این اثر شرح ماجرای سفر کربن به ایران و آشنایی با علامه طباطبایی مرور می‌شود و به بررسی نقد شرق‌شناسی و الهیات تنزیه‌ی پرداخته می‌شود.

حکمت معرفت و سیاست در ایران



نشر نی
۱۳۹۳

آیا سیاست‌دانشی است که از حقیقت نشأت گرفته، یا خوانشی متباین از روز و متکی بر یک فن است؟ سوالی ویرشکل، که فدایی‌مهربانی سعی در پاسخ به آن دارد. از دید او، مطابق تفکیک دوآلیستی تئوریا از پراگما که ریشه‌ای یونانی دارد، سیاست متعلق به حکمت عملی و بنابراین مربوط به حوزه پراگما است. پس دانش سیاست نمی‌تواند ساحت آشکارگی حقیقت باشد بدین گونه، سپهر سیاسی، سپهر اجماع خواهد بود.

پیدایی اندیشه سیاسی عرفانی در ایران



نشر نی
۱۳۸۸

در این کتاب به بیان مطالبی چون روش‌شناسی و زمینه و زمانه نسفی، معرفت و هستی در نظر نسفی، انسان کامل عزیز نسفی در ایران پرداخته است. از واکاوی عقبه اندیشه سیاسی در ایران می‌توان این نتیجه را گرفت که تأثیرات فوق‌العاده اندیشه سیاسی ایرانی اسلامی از آموزه‌های عرفانی است. عزیز نسفی، عارف قرن هفتم هجری، همانند اسلاف و نوادگان فکری خود، نماینده اعتراض به نشستن زمانه بر سر سیر قدرت است.

گفت‌وگو با **مهدی فدایی** مهربانی نویسنده نسل سوم آثار حکمت و فلسفه

باید کلاسیک‌ها را همواره بخوانیم

همانگونه که صفحه اسطرلاب موقعیت و جایگاه ستارگان را معلوم می‌دارد، وجود آدمی نیز تجلی حکمت را نمودار می‌کند و همان‌گونه که منجم اوضاع کواکب آسمان را در اسطرلاب مطالعه می‌کند، دانشمند عجایب صنع و تجلیات جمال حق را در آدمی معاینه می‌بیند و از همین رو است که خداوند می‌فرماید: ما آدمی‌زادگان را گرامی داشتیم. در میان همه‌ی آفریدگان تنها آدمی است که این امتیاز را دارد، زیرا تنهاست او که اسطرلاب حکمت است | حکمت چون عیسی است و آدمی چون مریم، که از درد پیدا شود و عیسی ما بزاید و اگر رنج دانش نباشد، ما محروم و بی‌بهره از آن خواهیم بود: اکنون بکن دوا که مسیح تو بر زمی‌ست / چون شد مسیح سوی فلک فوت شد دوا / این شعر از خاقانی است. چنین شد که پرسش کردیم، از مهدی فدایی مهربانی، نویسنده و پژوهشگر ایرانی علاقه‌مند به حوزه‌ی فلسفه، عرفان و فلسفه سیاسی. مهدی فدایی‌مهربانی متولد ۲۸ شهریور ۱۳۶۱ در شهرری است. از افتخارات این متفکر جوان می‌توان به برگزیده جشنواره فارابی و کتاب سال جمهوری اسلامی ایران اشاره کرد. از او تاکنون آثاری نظیر «پیدایی اندیشه سیاسی عرفانی در ایران» (نشر نی)، «ایستادن در آن سوی مرگ: پاسخی کربن به هایدگر از منظر فلسفه شیعی» (نشر نی)، «حکمت، معرفت و سیاست در ایران» (نشر نی) و «چه باشد آنچه خوانندش سیاست؟» (نشر فلات) منتشر شده است. مهربانی از سال ۲۰۱۷ تا ۲۰۱۸ به عنوان پژوهشگر مهمان دانشگاه استونی بروک نیویورک بوده است.

امیرعلی مالکی
خبرنگار فرهنگی

افراد باز می‌گردند و یکسری آنهایی که مربوط به هویت جمعی افراد هستند. این دو بخش به‌زعم من بی‌ارتباط با هم نیستند. طبیعتاً پرداختن به موضوعاتی که مربوط به هویت جمعی می‌شود مانند هویت ملی، هویت دینی، هویت اعتقادی، هویت سیاسی و غیره یک وجه آرمانی دارند که متأثر از وظایف شخصی است. این موضوع را از جهتی می‌توان به شکل هرم مازلولی در نظر آورد. به میزانی که زندگی مترجم و مولف به سمت تأمین نیازهای اولیه برود، پرداختن به هویت جمعی و آن وجوه آرمانی کم‌رنگ می‌شود. این چیزی است که در سنت و روایات ما هم بازتاب یافته است. من البته اصولاً به این موارد نمی‌پردازم ولی تصورم این است که ما به سرعت به سوی یکجور انتزاعی دیدن همه امور در حرکت هستیم. من چگونه می‌توانم از یک مترجم یا مولف که در صدد نوشتن یا ترجمه کاری است توقع داشته باشم دو یا سه سال روی یک موضوع مربوط به هویت جمعی جامعه کار کند بدون اینکه هیچ عایدی داشته باشد و آن وقت آن کار را وظیفه او بدانم؟ طبیعتاً او حتی اگر چندسال هم مقاومت کند، در نهایت به جای وظیفه به دنبال چیزی می‌رود که بازار مطالبه می‌کند. هرکسی هم که امروز دستی بر بازار کتاب دارد می‌داند که بازار در درجه اول ترجمه را بر تألیف و در درجه بعد آثار مربوط به

جامعه شکل گرفته است. دانشگاه از حوزه‌های دیگر هیچ‌وقت مستثنی نبوده و بازتابی از وضعیت است که در عینیت جامعه می‌گذرد. در وضعیتی که اساتید دانشگاه با مشکل جدی معیشتی مواجه هستند، حوصله‌ای برای فعالیت جدی علمی برای آنها هم باقی نمی‌ماند، فارغ‌التحصیلان غیرشاغل که جای خود دارند. من هرگز نمی‌توانم این جوان‌ها را منع کنم از اینکه برای حداقل معیشت خود کاری کنند. ما هم اگر بدون توجه به این مسایل در پی نقد وضعیت باشیم، ممکن است چهارتا لغت در ترجمه بیابیم و بگوییم اشکال دارد، اما وضعیت موجود را در سطح کلان نمی‌توانیم درمان کنیم. وضعیت علمی کشور که نمونه‌ای از آن در ترجمه‌ها و تألیف‌ها و به طور کلی کارهای پژوهشی بازتاب یافته است، وضعیتی در خلاً نیست؛ وضعیتی است که ارتباط مستقیم با زندگی روزمره دارد.

فکر می‌کنید وظیفه‌ی یک مولف فلسفی چیست؟ به نظر شما آیا ما در امروزه توان تألیف آثار فلسفی درست و برتر را داریم؟ یا تماماً وابسته بر سنت ترجمه هستیم؟

باید دید منظور از وظیفه چیست؟ این وظیفه منوط به موقعیتی است که یک مولف یا مترجم در آن قرار دارد. یک طیف از وظایف آنهایی هستند که به دغدغه‌های شخصی

آیا از سیر و روند ترجمه آثار فلسفی در امروزه روز راضی هستید؟ آیا فکر می‌کنید سنت ترجمه آثار فلسفی در بین جوانان تازه‌کار در این حوزه موفقیت‌آمیز بوده است؟

این مسأله کلی مربوط به تمام حوزه‌های علوم انسانی است و فقط مربوط به حوزه فلسفه نیست. بله ما با چنین وضعیتی مواجه هستیم و بسیاری از دانشجویان من هم جزو همین کسانی هستند که امروزه به ترجمه روی آورده‌اند. چیزی که من تا بحال متوجه شدم این است که بنیاد این بحث هم بازمی‌گردد به عدم اشتغال نسل بزرگی از فارغ‌التحصیلان دهه شصت و هفتاد که با علاقه و اشتیاق تحصیل را آغاز کردند و اکنون وضعیت مناسبی ندارند. ما نمی‌توانیم یک پدیده اجتماعی را در انتزاع بررسی کنیم. نمی‌توانیم بگوییم چرا این همه مترجم بی‌شمار وارد بازار نشر شده است، بدون اینکه چرایی این رخداد را در زندگی روزمره جست‌وجو کنیم. من شخصاً مترجمین جوان متعددی را می‌شناسم که وضعیت وخیم اقتصادی باعث شده است برای گذران زندگی در سال چند کتاب را ترجمه کنند تا زندگی‌شان بچرخد. بله ممکن است وضعیت ترجمه این کتاب‌ها خوب نباشد، اما اگر انحطاطی در زمینه ترجمه وجود دارد، این بخشی از انحطاطی است که در حوزه‌های دیگر